

شکل گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی

Formation of obsessive-compulsive disorder based on Islamic sources

حسین علی پور / کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
رحیم نارویی نصرتی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه علمی و پژوهشی امام خمینی (عج)، قم، ایران.
محمد رضا احمدی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه علمی و پژوهشی امام خمینی (عج)، مدیر گروه رشته روان شناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

Hussein Alipour / Master of Guidance and Counseling, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran. h.alipour555@gmail.com

Rahim Narouei Nosrati / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Scientific and Research Institute, Qom, Iran.

Muhammad Reza Ahmadi / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Scientific and Research Institute, Director of the Department of Islamic Psychology, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.

ABSTRACT

This study was carried out entitled 'The Study of the Obsessive-Compulsive Disorder of Ritual Ablution (Taharat and Nejasat) and Its Therapeutic Ways Based on Islamic Sources'. In order to achieve the aims of the study, it was done through the descriptive-analytical method; after the compilation, formulation, classification, summarization, and explanation of the concept, the collected data was divided into manageable and interpretable parts.

The findings showed that the obsessive-compulsive disorder is one in which the people suffering from it confront with a lot of stubborn thoughts, and it makes them do some jobs repeatedly. There are some theories on the obsessive-compulsive disorder in psychology. The main theories on the etiology and therapeutic ways of this disorder include (1) biological theory, (2) the theory of Janet and psychoanalytic theory, (3) behavioral theory, (4) cognitive theory, and (5) technical eclectic theory. These theories are useful for the treatment of manifestations of the

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی چگونگی شکل گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی است. بدین منظور این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد که پس از طی فرایند منبع شناسی و دسته بندی منابع و سپس تدوین، تنظیم، طبقه بندی، تلخیص و بیان مفهوم انبوهی از داده های گردآوری شده از این منابع و کاهش آنها به بخش های قابل کنترل و تفسیر، مبانی نظری این اختلال از منابع اسلامی استخراج شده و در مرحله بعد از مبانی نظری به دست آمده، چرخه شکل گیری این اختلال به دست آمد.

disorder. The manifestations of obsessive-compulsive disorder are cleaning, checking, primary obsessive slowness, mixed rituals, ritual ablutions. Among Islamic religious communities, there is a less obsessive disorders in cleanliness, and in the Islamic societies, there is a cleaning obsessive disorder in the ritual ablutions. Some materials were considered Najis (impure) in Islam. According to Islamic rulings, being Najis is different from being dirty; that is, to worship, a Muslim person should be free from Nejasat. The unawareness of the delicacies of this religious belief causes some people suffer from the obsessive-compulsive disorder of the ablutions. This study examines the Islamic approach to the obsessive-compulsive disorder of the ablutions in the fields of etiology and diagnostic criteria and therapeutic ways.

Keywords: obsessive-compulsive, Taharat, Najasat, Islamic sources.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بر اساس منابع اسلامی این اختلال دارای چرخه شکل‌گیری شش مرحله‌ای بدین ترتیب است: ۱. قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست؛ ۲. انتخاب؛ ۳. وسوسه و اضطراب؛ ۴. تمایل به وسواس؛ ۵. انجام عمل وسواسی؛ ۶. بازگشت به ابتدای چرخه و قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست.

کلیدواژه‌ها: شکل‌گیری، وسواس - اجباری، طهارت و نجاست، منابع اسلامی.

مقدمه

اختلال وسواس - اجباری^۱ با وسواس فکری یا عملی یا هر دو مشخص می‌شود. وسواس‌های فکری شامل افکار، تمایلات یا تصورات مکرر و پایداری هستند که به شکل مزاحم و ناخواسته تجربه می‌شوند، حال آنکه وسواس‌های عملی (اجبارها)، رفتارهای تکراری یا فعالیت‌های ذهنی تکراری هستند که فرد احساس می‌کند باید آنها را در پاسخ به یک وسواس فکری یا بر طبق قوانینی که باید به دقت اجرا شوند، انجام دهد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۴، ص ۲۵۳).

وسواس‌های عملی به صورت‌های بسیاری از جمله موارد ذیل نمودار می‌شوند:

۱. وسواس - اجباری‌های پاکیزگی.^۲

۲. آیین واریسی.^۳

1 Obsessive-compulsive disorder.

2. Cleaning compulsions.

3. Checking rituals.

۳. اعمال ذهنی^۱.

۴. آیین‌های ترکیبی^۲ (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۸۱، ص ۶۸۷؛ استکتی و پیگت، ۱۳۸۹، ص ۵۷-۵۹).

تا پایان سال ۱۹۸۰ دانشمندان گمان می‌کردند اختلال وسواس - اجباری، اختلالی نادر است. ولی تحقیقات در حوزه‌های تحت پوشش همه‌گیرشناسی، در خارج و داخل ایالت متحده نشان داد که وسواس - اجباری تا دو برابر اختلال وحشت‌زدگی بدون وسعت‌هراسی شیوع دارد (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۵). این اختلال بیشتر در نوجوانی و جوانی شروع می‌شود، هر چند ممکن است در کودکان نیز دیده شود. شیوع آن در هر دو جنسیت مرد و زن یکسان است. بیماران مبتلا به اختلال وسواس - اجباری معمولاً هوشی بالاتر از حد متوسط دارند (پورافکاری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۰۲۱).

طبق تخمین برخی از پژوهشگران، اختلال وسواس - اجباری در ده درصد از بیماران سرپایی مطب‌ها و درمانگاه‌های روان‌پزشکی یافت می‌شود. اختلال وسواس - اجباری چهارمین بیماری روان‌پزشکی پس از فوبیا، اختلال‌های مرتبط با مواد و اختلال افسردگی اساسی است. طبق بررسی‌های همه‌گیرشناسی انجام شده در اروپا، آسیا و آفریقا ثابت شده که این ارقام در تمام حوزه‌های فرهنگی یکسان است (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲). در نتیجه این اختلال یکی از شایع‌ترین اختلال‌ها در دنیاست. از سوی دیگر نمود پاکیزگی شایع‌تر می‌باشد (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷).

در مورد سبب‌شناسی این اختلال شاید قدیمی‌ترین نظر مربوط به قرن پنجم قبل از میلاد باشد. بقراط این باور یونانیان را که خدایان بیماری‌های جسمانی و اختلال‌های روانی شدید را به عنوان عذاب بندگان سرکش فرو می‌فرستند، رد کرد و اعلام داشت این بیماری‌ها علل طبیعی دارند (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

اخیراً وراثت، به صورت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش در وسواس درآمده است (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳؛ هالجین و ویتبورن، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۹۵). اگرچه ژن یا ژن‌های مخصوصی در ارتباط با وسواس، آن‌گونه که مورد تأیید همه محققان باشد، معرفی نشده است. طبق محتوای اولیه وسواس‌ها ممکن است مناطق مغزی که نیاکان ما را به

1 . Compulsive thought alone.

2 . Mixed rituals.

نظافت کردن و واری کردن وامی داشتند، همان مناطقی باشند که در وسواس - اجباری مختل می‌شوند (سادوک و سادوک، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳).

سه دیدگاه زیستی که یکی از آنها با ارزیابی ساختار و کارکرد مغز به تغییر در مغز افراد وسواسی خبر می‌دهد (سلیگمن، والکر و روزنهان، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷؛ سادوک و سادوک، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳)؛ دیگری اختلال وسواس - اجباری را به سطح پایین فعالیت سروتونین نسبت می‌دهد (دادستان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ سادوک و سادوک، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲) و سومی آن را به نوعی افزایش کنش‌وری در ناحیه‌هایی از مغز وابسته می‌سازد، می‌توانند با یکدیگر پیوند یابند (دادستان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۷). لذا از دهه ۱۹۸۰ به بعد، محققان بر روی این ناپهنجاری‌های نورویولوژیک به عنوان مشخصه وسواس توافق کردند (استکتی و پیگت، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

در نظریه روان‌تحلیل‌گری، اعتقاد بر این است که وسواس به علت تضادهای روان‌شناختی ناخودآگاه شکل می‌گیرد (سلیگمن، والکر و روزنهان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۵؛ شمس، ۱۳۸۸، ص ۴۲-۴۳).

به نظر ژانه^۱ اختلال اصلی در مبتلایان به وسواس کاهش انرژی روانی آنها به صورت مرضی می‌باشد، کاهش انرژی روانی فروپاشی سازمان کارکردهای روان را که به طور معمول جریان دارد، به وجود می‌آورد. این فروپاشی عالی‌ترین کارکردهای روان به خصوص اراده و توجه را دچار اختلال می‌کند. وقتی این کارکردهای عالی روان دچار اختلال شده یا از بین می‌روند، کارکردهای سطح پایین‌تر، جنبی و ابتدایی‌تر روان به ویژه هیجانات به همراه همبسته‌های روانی، امعائی و احشائی و حرکتی آنها از کنترل خارج می‌شوند (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۵۲-۵۳).

طبق نظریه رفتاری فکری وسواسی محرک‌های شرطی هستند، یک محرک نسبتاً خنثی از طریق فرایند شرطی شدن پاسخگر^۲ و با جفت شدن با رخدادهایی که طبیعتاً مضر و اضطراب‌برانگیز هستند با ترس و اضطراب پیوستگی پیدا می‌کند. شخص درمی‌یابد که عمل خاصی موجب کاهش اضطراب وابسته به یک فکر وسواسی می‌گردد. رهایی و آرامش حاصل از رفع اضطراب که به عنوان سائق منفی عمل می‌شود. تدریجاً این عمل به علت

1 Janet.

2 . Respondent conditioning.

کاهش یک سائق دردناک ثانوی (اضطراب) به صورت یک الگوی رفتاری آموخته شده ثابت در می‌آید (سادوک و سادوک، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۰۶).

نظریه شناختی روی الگوهای تفکر ناسازگارانه تأکید می‌کند و اعلام می‌دارد که این الگوها در ایجاد و ادامه نشانه‌های وسواس - اجباری دخالت دارند. افراد مبتلا به وسواس - اجباری گرایش دارند به رویدادهای اضطراب‌آور در محیطشان واکنش افراطی نشان دهند (هالچین و ویتبورن، ۱۳۸۹، ص ۲۹۶؛ استکتی و پیگت، ۱۳۸۹، ص ۵۰). در نظریه شناختی اعتقاد بر این است که عامل اصلی تداوم اختلال وسواس در خطاها و شیوه‌های نادرست ارزیابی افکار مزاحم نادرست و تلاش بیهوده در جهت کنترل آنهاست (شمس، ۱۳۸۸، ص ۵۸-۵۹).

اندیشمندان اسلامی نیز در زمینه اسباب ایجاد وسواس نظراتی مطرح کرده‌اند. گیلانی (۱۰۸۷) ریشه وسواس را با توجه به تعالیم قرآن و روایات، شیطان و القانات شیطانی بیان می‌دارد. این قول را اکثر اندیشمندان اسلامی نیز مطرح کردند که شاید علتش تصریحات قرآن و روایات بر این موضوع باشد. احمد نراقی (۱۲۴۵ق) سبب داخلی جربزه، را هم اضافه کرد. حجازی (۱۳۸۶ق) توارث، سن خاص، نوع جنسیتی، عوامل محیطی، شغل، تصادفات جسمی، تشنج اعصاب، اعتماد شدید به غیر، هیجان دموی با اختلاط ذهن، و عدم سلامت عقل را به عنوان اسباب وسواس مطرح کرد. زمانی (۱۳۶۸) اضطراب روحی، ضعف مزاجی، عدم اعتدال و عدم علم به وظایف شرعی را به عنوان اسباب وسواس مطرح کرد. ارگانی بهبهانی (۱۳۷۶) همکاری قوه تخیل با شیطان، بعضی از امراض جسمی که در گذشته در اثر بعضی بیماری‌ها عارض شده، وابستگی کودکان به والدین و عدم اعتماد به نفس را به عنوان اسباب وسواس مطرح کرده است. صالح مدرسه‌ای (۱۳۷۷) ضعف ایمان و کوچک شمردن وسواس را مطرح کرد. فقیهی (۱۳۸۲) توجه افراطی به غرائز و عدم رشد عقلانی را اضافه کرد. شاکر اردکانی (۱۳۸۴) شک و دودلی را مطرح کرد که شیطان فقط به این عامل درونی دامن می‌زند. رئوفی (۱۳۸۷) احتیاط در مواردی که یقین به طهارت چیزی وجود دارد را افزود. مظاهری (۱۳۸۸) تبدیل شدن جهل متردد (شک) به حالت در انسان را سبب وسواس می‌داند. و در پایان ناروئی نصرتی (۱۳۸۸) قائل است وسواس بر اثر واحدهای ایمانی تردیدآمیز و توهمی به عنوان واحدهای ایمانی صحیح آغاز می‌شود و با عمل به آنها روان دگرگون می‌گردد و به وجودی تبدیل می‌شود که در اصطلاح تخصصی گویند فرد دچار وسواس می‌باشد، لذا با توجه به این سبب‌شناسی طرح جامع خودیابی اسلامی در درمان

وسواس - ناخودداری را برای درمان ارائه می‌دهند که شعار آن این است که «ایمان بیاور، عمل کن، انکار کن (کفر بورز) و اجتناب کن تا روزبه‌روز سالم‌تر شوی»، و این چهار جمله را شعار تمام عیار این درمان می‌دانند که از اصلی‌ترین آموزه‌های دینی به ویژه آموزه‌های اسلام حاصل شده است. بنابراین در مورد وسواس - اجباری طهارت و نجاست که نمودی از وسواس - اجباری است اندیشمندان اسلامی این عوامل را به عنوان سبب مطرح نمودند. در این بین برخی از اندیشمندان از جمله فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱) و محمد مهدی نراقی (متوفی ۱۱۶۹) در زمینه سبب‌شناسی وسواس قائل به مراحل متصل می‌باشند، این دو اندیشمند قائلند: «قلب مانند آینه‌ای است که هر تصویری را منعکس می‌کند و از طرفی راه‌های ورودی قلب عبارت‌اند از: ظاهری و باطنی؛ راه‌های ظاهری حواس پنج‌گانه‌اند و راه‌های باطنی خیال و شهوت و غضب و اخلاق مرکب در مزاج می‌باشند. و قلب دائماً در حال تأثر از این اسباب است. خاص‌ترین اثری که در قلب ایجاد می‌شود خواطرند؛ خواطر از اذکار و افکار در قلب عارض می‌شود. خواطر رغبت را تحریک می‌کنند، رغبت عزم را و عزم نیت را و نیت اعضای بدن را. خواطری که رغبت را تحریک می‌کنند دو قسمند: دعوت‌کننده به خیر و دعوت‌کننده به شر. این خواطر حادثند و نیاز به سبب دارند و چون حوادث مختلفی‌ند پس سبب آنها نیز مختلف است. سبب خواطر دعوت‌کننده به خیر فرشته و سبب خواطر دعوت‌کننده به شر شیطان است. قلب بر اساس نوع خلقتش قابلیت پذیرش هر دو دعوت را به‌طور مساوری دارد؛ ترجیح هر کدام از دو دعوت بستگی به پیروی از هوی و هوس یا عدم پیروی از آن دارد؛ یعنی اگر از شهوت و غضب پیروی کرد قلب مرتع شیطان می‌شود و اگر مقابله کرد محل فرشتگان می‌شود. خواطر دعوت‌کننده به خیر الهام و خواطر دعوت‌کننده به شر وسواس نام دارند منتهی مشکل این‌جاست که یکی از حیل‌های شیطان این است که بعضی از خواطر را که در واقع دعوت‌کننده به شر هستند طوری جلوه می‌دهد که شخص خیال می‌کند دعوت‌کننده به خیر هستند و شیطان هم اکثر افراد را از این طریق به زمین می‌زند. لذا فرد باید هر خاطری که به ذهنش می‌آید توقف کند تا بداند که از ناحیه فرشته است یا از ناحیه شیطان و باید با نور بصیرت و تقوا بنگرد نه با هوی و هوس و فقط با نور تقوی است که می‌تواند پی ببرد که از کدام خواطر است. و اینکه فرد از کثرت وسواس نجات پیدا نمی‌کند مگر اینکه جلوی درهای خواطر را سد کند چه درهای بیرونی که حواس باشند و چه درهای درونی که شهوت و غضب و علائق باشند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۷-۵۹)؛

نراقی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۸۶). امام خمینی علیه السلام هم قائل به مراحل متصل است که البته با نگاه قبل متفاوت است. ایشان قائلند: «قلب انسانی لطیفه‌ای است که متوسط است بین عالم دنیا و آخرت. یک وجهه آن به عالم دنیا است، و بدان وجهه تعمیر این عالم کند، و یک وجهه آن به عالم آخرت و غیب است، و بدان وجهه تعمیر عالم آخرت و ملکوت نماید. صور دنیاییه از مدارک حسیه ظاهریه و بعضی مدارک باطنه، مثل خیال و وهم، در آن انعکاس پیدا کند، و صور اخروییه از باطن عقل و سرّ قلب در آن انعکاس پیدا کند. و اگر وجهه دنیاییه قلب قوّت گرفت و توجه آن یکسره به تعمیر دنیا شد و همّش منحصر شد در دنیا و مستغرق شد در ملاذّ بطن و فرج و سایر مشتتهیات و ملاذّ دنیاییه، به واسطه این توجه باطن خیال مناسبی پیدا کند به ملکوت سفلی که به منزله ظلّ ظلمانی عالم ملک و طبیعت است و عالم جنّ و شیاطین و نفوس خبیثه است. و به واسطه این تناسب القائاتی که در آن شود القائات شیطانیه است، و آن القائات منشأ تخیلات باطله و اوهام خبیثه گردد. و نفس چون بالجمله توجه به دنیا دارد، اشتیاق به آن تخیلات باطله پیدا کند و عزم و اراده نیز تابع آن گردد و یکسره جمیع اعمال قلبیه و قالبیه از سنخ اعمال شیطانیه گردد، از قبیل وسوسه و شک و تردید و اوهام و خیالات باطله، و ارادات بر طبق آن در ملک بدن کارگر گردد. و اعمال بدنیّه نیز بر طبق صور باطنیه قلب گردد، چه که اعمال عکس و مثال ارادات، و آنها مثال و عکس اوهام، و آنها عکس وجهه قلوب است، پس، چون وجهه قلب به عالم شیطان بوده، القائات در آن از سنخ جهالات مرکبه شیطانیه گردد، و در نتیجه از باطن ذات وسوسه و شک و شرک و شبهات باطله طلوع کرده تا ملک بدن سرایت کند» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ص ۳۹۹-۴۰۰).

بنابراین هر چند این سه اندیشمند در مقام بیان اسباب ایجاد اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست نیستند، اما از بیان ایشان به طور ضمنی و کلی مستفاد است که ایشان قائلند اسباب متعددی با هم رابطه دارند و هر کدام در موضعی به خصوص و در مرحله‌ای خاص و به طور مرتبط و متصل وارد عمل می‌شود تا این اختلال ایجاد شود.

در کشور ایران و به‌ویژه در میان جمعیت‌های مذهبی، این نمود به شکل پاکیزگی کمتر وجود دارد و اغلب به شکل طهارت و نجاست می‌باشد (نارویی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۲۹). این مسئله به‌خاطر این است که جامعه ایران اسلامی است و بالطبع مردم به رعایت موازین اسلامی می‌پردازند که از جمله مهمترین موازین اسلامی عبادات است که بدون رعایت طهارت و نجاست ورود به بسیاری از آنها ممکن نیست. و چون عده‌ای از مردم به‌خاطر عدم

درک صحیح و کامل دستورات شرع و نیز برخی عوامل دیگر گرفتار وسواس - اجباری در این حیطه شده‌اند.

و از طرفی با اینکه اندیشمندان در زمینه وسواس - اجباری بر اساس منابع اسلامی آثاری تدوین کرده‌اند ولی در ارتباط با نمود خاص وسواس - اجباری طهارت و نجاست، پژوهش مستقلی ارائه نداده‌اند، و به علاوه برخی از ایشان مطالبی هم که ارائه کرده‌اند با بررسی کامل آموزه‌های اسلامی در مورد اختلال وسواس - اجباری نبوده است، بلکه به خاطر مشابهت اسمی که بین اسم این اختلال با کلمه وسواس مذکور در منابع اسلامی وجود دارد، این اختلال را مساوی با آن گرفته‌اند و این تشابه اسمی سبب شده که اختلال وسواس - اجباری با وسوسه‌های شیطانی مشتبه شود (مظاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۱؛ شاکر اردکانی، ۱۳۸۴، ص ۲۴)، و در نتیجه مطالب و راهکارهایی را در راستای مقابله با همین وسواس برای کمک به افراد دچار اختلال وسواس با استفاده از منابع اسلامی مطرح کرده‌اند (مظاهری، ۱۳۹۲، ص ۲۸؛ شاکر اردکانی، ۱۳۸۴، ص ۲۸). در نتیجه به طور کامل و خاص به این نمود از این اختلال بر اساس منابع اسلامی نپرداخته‌اند.

این نکته هم شایان توجه است که مراجعین مذهبی به خاطر مذهبی بودن، با تکنیک‌ها و راهکارهای مذهبی بهتر ارتباط برقرار می‌کنند و اگر راهکارهایی بر اساس منابع اسلامی استخراج شود در درمان ایشان بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

با توجه به مطالب مذکور، پژوهش در مورد چیستی و علل این نمود بر اساس منابع اسلامی ضرورت می‌یابد تا بتوان به کمک آن راهکارهای درمانی را از منابع اسلامی استخراج نمود. بنابر آنچه مطرح شد پژوهشگر بنا دارد در این پژوهش به بررسی شکل‌گیری این اختلال بر اساس منابع اسلامی بپردازد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد که پژوهشگر پس از طی فرایند تدوین، تنظیم، طبقه‌بندی، تلخیص و بیان مفهوم انبوهی از داده‌های گردآوری شده، با کاهش آنها، به بخش‌های قابل کنترل و تفسیر دست یافت (هومن، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶). پژوهشگر به گونه نظام‌دار، هرگونه موضوعات عمده، مسائل یا درونمایه‌های عمده‌ای را که در سوابق وجود دارد اعم از کتب آسیب‌شناسی روانی و کتب تدوین شده در زمینه وسواس و مقالات

و پایان نامه‌ها و رساله‌های علمی و منابع اسلامی اعم از آیات و روایات استخراج کرد، که البته در استخراج از نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز بهره برد. بعد از استخراج و دسته‌بندی منابع و بررسی پیشینه پژوهش در دومین گام، به رمزگذاری هرگونه الگوی نظام‌دار در یادداشت‌ها و ملاحظه انجام تحلیل محتوای عمیق آنها پرداخت. آنگاه با سنجش امکانات معنایی متن از میان آنها بر اساس شواهد و دلایل کافی، معنای متعین یا مرجح را برگزید، و در ادامه با به‌کارگیری استدلال و استفاده از صورت‌های منطقی و قیاسی به استدلال پرداخت و در نهایت به کشف مشروط واقع در زمینه نظر اسلام در مورد مبانی نظری این مسئله و سپس سبب‌شناسی پرداخت (علی‌پور و حسنی، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

یافته‌های پژوهش

از آنجا که پرسش اساسی این پژوهش بررسی سبب‌شناسی اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست می‌باشد، یافته‌های پژوهش به بررسی این مسئله می‌پردازد. یافته‌های پژوهشگر در زمینه سبب‌شناسی و تبیین شکل‌گیری این اختلال منوط به بیان مبانی آن بر اساس منابع اسلامی می‌باشد، بنابراین پژوهشگر در ذیل به تبیین این مبانی از نظر منابع اسلامی می‌پردازد:

۱- دو ساحتی بودن انسان

از نظر اسلام انسان موجودی مرکب از روح و بدن می‌باشد. روح و بدن دو واقعیت و جوهر مجزای از همدیگر می‌باشند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷-۲۱). بدن به واسطه مرگ تدریجاً متلاشی می‌شود ولی روح این‌گونه نیست. حیات بالاصاله از آن روح است و تا روح به بدن متعلق است، بدن نیز از وی کسب حیات می‌کند و هنگامی که روح علقه خود را برید بدن از کار می‌افتد و «روح» همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷-۲۱۸).

۲- اختیار انسان از جمله قابلیت‌های قلب

در منابع اسلامی روح به صورت مجازی، «قلب» نامیده شده است، آیه «خدا شما را به سوگندهای بی‌بوهه‌تان بازخواست نمی‌کند ولی به آنچه قلب‌هایتان مرتکب شده مؤاخذه می‌نماید، و خدا آمرزنده و بردبار است»،^۱ از شواهدی است که دلالت می‌کند بر اینکه مراد

۱. لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ فَلَوْلَاكُمُ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (بقره، ۲۲۵).

از قلب خود آدمی یعنی خویشتن او و نفس و روح او است، چون مُدرک واقعی خود انسان است و درک خود یکی از مصادیق کسب و اکتساب است، که جز به خود انسان نسبت داده نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۷). از جمله قابلیت‌های قلب انسان اختیار است. برای اینکه آدمی بتواند چیزی را انتخاب کند، شرایطی لازم است که نخستین آن، این است که موضوعات مورد انتخاب را «بشناسد» (مصباح، ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۳، ۲، ص ۳۸۷-۳۸۸). در قرآن کریم در آیه دوم سوره انسان پس از ذکر آفرینش آدمی از نطفه آمیخته، به حکمت این آفرینش و هدف آن که مورد آزمایش قرار گرفتن اوست، اشاره می‌کند؛ یعنی بر سر چند راه قرار می‌گیرد تا زمینه برای «ابتلاء» و انجام مسئولیت وی، فراهم گردد. سپس می‌فرماید: به او توان ادراک دادیم، او را شنوا و دانا آفریدیم. با توجه به ربط این کلمات، در می‌یابیم که برای «ابتلاء» سمع و بصر لازم است. به هر حال، این نکته از آیه برمی‌آید که: برای اینکه انسان مورد آزمایش قرار گیرد، و هدف آفرینش وی در این جهان تأمین شود، باید دارای قدرت شناخت باشد؛ دیگر اینکه گرایش‌های متضادی در زمینه آن موضوعات داشته باشد تا زمینه‌ای برای انتخاب و اختیار، فراهم شود؛ سوم اینکه قدرت انتخاب داشته باشد تا بین گرایش‌های متضاد، یکی را انتخاب کند. بنابراین حرکت اختیاری انسان، مبتنی بر سه امر میل، آگاهی و قدرت است. این مثلث، زمینه را برای اختیار انسان فراهم می‌کند.

در انسان ممکن است چند خواست بیدار باشد و انسان بتواند به همه آنها پاسخ دهد، اما گاهی ناچار است میلی را بر دیگری برگزیند؛ یعنی انسان «توانایی و قدرت گزینش» دارد. گزینش در جایی مطرح می‌گردد که چند خواست متعارض در مقام ارضاء وجود داشته باشد و انسان مجبور باشد یکی را ارضاء و دیگری را فدای آن کند. انسان توانایی دارد که در برابر میل‌های درونی خود ایستادگی کند و فرمان آنها را اجرا نکند (مصباح، ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۳، ۲، ۱، ص ۴۱۴-۴۱۶). این توانایی را انسان به حکم یک نیروی دیگر دارد که از آن به «اراده» تعبیر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۲۵-۲۷). در اینجا برای مقدم شدن یکی بر دیگری، عوامل گوناگونی مؤثر است و مهم‌تر از همه، عامل «شناخت» و «آگاهی» می‌باشد. در تعارض دو خواست، به‌طور طبیعی آنکه راحت‌تر یا رجحانی دارد برگزیده می‌شود، اما گاهی در اینکه کدام یک واقعاً رجحان دارد، دچار تردید می‌شود و ممکن است اشتباه کند و آنکه واقعاً رجحان دارد را انتخاب نکند، در اینجا اهمیت «شناخت» معلوم می‌گردد تا آدمی بتواند به‌کمک آن تلاش کند بین خواست‌هایی که بر زندگی‌اش اثر می‌گذارد مراتبی را قائل شود و

رجحان و اهمیت برخی را نسبت به برخی دیگر تمیز دهد تا بتواند زندگی عاقلانه‌ای داشته باشد (مصباح، ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۳، ۱، ۲، ص ۴۱۴-۴۱۶). و اما در بحث اینکه به هنگام تضاد خواست‌ها، چه چیزی موجب ترجیح می‌شود و چه ملاکی سبب‌گزینش میلی توسط عقل و عدم‌گزینش میل دیگر می‌شود، باید گفت: «اصل انتخاب‌ها لذت است»؛ زیرا لذت‌طلبی تکویناً در خلقت انسان نهاده شده است و هدف‌نهایی و سعادت‌نهایی انسان نیز می‌باشد، که طبعاً ملاک انتخاب انسان قرار خواهد گرفت که این مطلب از آیات قرآن کریم مستفاد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۸-۱۷۱) پس باید گفت: «اصل انتخاب‌ها لذت یا اجتناب از الم است» (مصباح ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۳، ۱، ۲، ص ۴۲۲).

بنابراین انسان چون به نیروی «عقل» و «اراده» مجهز است، قادر است در مقابل میل‌ها مقاومت و ایستادگی نماید و خود را از تحت تأثیر نفوذ جبری آنها آزاد نماید و بر همه میل‌ها «حکومت» کند، انسان می‌تواند همه میل‌ها را تحت فرمان عقل قرار دهد و برای آنها جیره‌بندی کند و به هیچ میلی بیش از میزان تعیین‌شده ندهد. این توانایی بزرگ از مختصات انسان است و در هیچ حیوانی وجود ندارد و همین است که به انسان حق «انتخاب» می‌دهد و همین است که انسان را به صورت یک موجود «صاحب اختیار» درمی‌آورد. انسان آنجا که به عقل و اراده متکی می‌شود، نیروهای خویش را جمع‌وجور می‌کند و نفوذهای خارجی را قطع می‌نماید (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۲۵-۲۷). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «عقل صاحب لشکر خداست و هوی قائد لشکر شیطان است و نفس انسان بین این دو در حال کشیده شدن است هر کدام از این دو پیروز شد، نفس در اختیار او قرار می‌گیرد»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ص ۵۰). این روایت اولاً به وجود امیال و جاذبه‌های متعدد درونی انسان دلالت دارد همان چیزی که زمینه اختیار و انتخاب را در انسان فراهم می‌کند و ثانیاً این قلب و نفس است که مورد کشمکش قرار می‌گیرد و اصولاً این جبهه‌گیری‌ها در انسان برای این است که نفس انتخاب کند و این انتخاب ممکن نیست مگر با داشتن قدرت انتخاب که همان اراده است؛ ثالثاً علاوه بر وسوس شیطان که از خارج وجود انسان می‌آید در درون انسان نیز چیزهایی قرار داده شده است که به سبب آنها انسان به وسوس شیطان میل می‌کند که فرمانده آنها هوی است، و هوی ضد عقل می‌باشد.

۱. العقل صاحب جيش الرحمن والهوى قائد جيش الشيطان والنفس متجاذبه بينهما، فإيهما غلب كانت في حيزه.

۳- نقش عمل اختیاری انسان در قلب

بعد از اینکه انسان اراده کرد، در اینجا عمل و رفتار از انسان حتماً سر می‌زند و عمل حتمی است. وقتی از امام رضا علیه السلام در مورد مشیت و اراده پرسیده شد حضرت فرمودند: «مشیت اهتمام به چیزی است و اراده اتمام آن چیز است»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۸، ص ۳۵۵). بنابراین بین اراده و سر زدن عمل و رفتار فاصله‌ای نیست، انسان تا اراده کرد عمل رخ می‌دهد. از طرف دیگر عمل و رفتار اثرپذیری را تشدید می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که عملی کند به سوی آنچه عمل کرده است مشتاق می‌شود»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۲). بنابراین عمل به انگیزه و میلی که مورد تشویق خواطر شر بود شوق به انجام آن عمل را بیشتر می‌کند و عمل به انگیزه و میلی که مورد تشویق خواطر خیر بود شوق به انجام آن عمل را نیز تشدید می‌کند. لذا قلب بر اثر عمل دگرگونی بیشتری می‌یابد ولی درست در مسیر قضاوتی که در وقت عمل در قلب وجود دارد (ناروئی نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵-۱۱۶). بنابراین در بحث ما یعنی وسواس - اجباری طهارت و نجاست نیز همین مسئله اتفاق می‌افتد و وقتی شخص اعمال اجباری مثل طهارت گرفتن را انجام داد نسبت به انجام دوباره آن احساس شوق می‌کند و گویا میل به انجام دوباره تشدید می‌شود.

۴- تأثیرپذیری قلب

قلب انسان قابلیت تأثر و تغییر و انقلاب دارد، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «قلب را در حقیقت به خاطر این قلب نامیده‌اند، که منقلب و دگرگون می‌شود، حکایت قلب حکایت پری است که در یک دشت به بیخ درختی آویخته شده و باد آن را زیر و رو می‌کند»^۳ (الهندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۱)، در این روایت حضرت به صراحت به انقلاب قلب اشاره می‌کنند و با تشبیه آن به پری این مطلب را واضح‌تر می‌کنند. قلب ابتدا از طریق حواس پنج‌گانه در هنگام ارتباط با موقعیت‌ها و اشیاء خارجی متأثر می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۷-۵۹). حضرت علی علیه السلام فرمودند: «قلب کتاب چشم است»^۴ (امام علی علیه السلام، ۱۳۹۳، ص ۵۲)؛ به این معنا که وقتی قلب با اشیاء خارجی از طریق چشم و حس بینایی ارتباط برقرار می‌کند، از

۱. الامام الرضا علیه السلام - لما سئل عن المشیئة والاراده -: المشیئة: الاهتمام بالشیء، والاراده: اتمام ذلك الشیء.

۲. من عمل اشتاق.

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: انما سمی القلب من قلبه، انما مثل القلب مثل ریشه بالفلاہ تعلقت فی اصل شجره قلبها الريح ظهرا لبطن.

۴. القلب مصحف البصر.

آنها متأثر شده و تصاویر آنها را چون کتابی که در آن اطلاعات ثبت است در خود ثبت می‌کند. و نیز فرمودند: «قلب، چشمه حکمت است و گوش راه ورودی آن»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ص ۶۶)؛ یعنی از طریق گوش و شنیدن است که قلب متأثر می‌شود و چشمه جوشان حکمت در آن شروع به جوشیدن می‌کند. و نیز فرمود: «قلب خزینه دار زبان است»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ص ۶۶)؛ یعنی آنچه بر زبان جاری می‌شود از خزینه قلب سرچشمه می‌گیرد و آنچه که انسان از طریق حواسش در قلب وارد کرده و با متأثر کردن قلب آنها را ذخیره کرده است از طریق زبان به ابرازش می‌پردازد. بنابراین قلب مانند آینه‌ای است که هر تصویری را منعکس می‌کند یا مانند حوضی است که هر نهری که به آن وصل باشد آب همان نهر را در خود جای می‌دهد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۷-۵۹).

۵- الهامات و وسوس قلب

بعد از برخورد قلب از طریق حواس با موقعیت‌ها و اشیاء بیرونی و تأثر از آنها، نوبت به نوع و محتوای تأثر می‌رسد. نوع تأثر قلب بستگی به خواطر و افکاری دارد که متناسب با تأثرات قلبی از موقعیت‌های بیرونی در قلب شکل گرفته است، این خواطر از خارج قلب وارد می‌شود، اگر خواطر شر باشد قلب تأثر منفی پیدا می‌کند و اگر خواطر خیر باشد قلب تأثر مثبت پیدا می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «همانا قلب دارای دو گوش است: روح ایمان در او نجوای خیر می‌کند و شیطان نجوای شر می‌کند، پس هر یک از آن دو بر دیگری پیروز شود او را مغلوب خود می‌کند»^۳ (حمیری قمی، ۱۳۵۹، ص ۱۷). بنابراین خواطر به دو قسم خوب و بد یا خیر و شر تقسیم می‌شوند که خواطری که محرک انسان به خیر است را «الهام» و خواطری که محرک انسان به شر است را «وسوسه» می‌نامند (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۳۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۴۷-۵۹).

۶- شیطان عامل وسوس و خواطر شر قلب

بنابر آنچه مطرح شد عامل خواطر خیر فرشته و عامل خواطر شر شیطان است، در اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست چون «اختلال» است پس شر است و عامل آن شیطان

۱. القلب ينبوع الحكمة، والاذن مغیضها.

۲. القلب خازن اللسان.

۳. ان للقلب اذنين: روح الايمان يساره بالخير، والشيطان يساره بالشر، فایهما ظهر علی صاحبه غلبه.

است. «شیطان» در معنای اصلی مفهوم وصفی دارد یعنی «شریر»، در قرآن کریم شیطان به همین معنی به کار رفته است، جز اینکه گاهی در اثر غلبه استعمال در مورد خود «ابلیس» به کار رفته است^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۴۲-۴۴۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱/۱-۱/۲، ص ۲۹۷). تماس شیطان با انسان و اعمال انسان از راه تسویل و وسوسه و اغواء است؛ یعنی در فکر او القائاتی می‌کنند و در نتیجه او را گمراه می‌سازند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۷۸). دو راه از راه‌هایی که شیطان از طریق آنها القای وسوسه می‌کند:^۲ یکی «آمدن شیطان از سمت راست» است، به این معنا که وی آدمی را از راه دینداری بی‌دین می‌کند، و او را در بعضی از امور دینی وادار به افراط نموده به چیزهایی که خداوند از آدمی نخواسته تکلیف می‌کند؛ و دوم «آمدن از سمت چپ» است که منظور از «سمت چپ» بی‌دینی می‌باشد، به این معنا که فحشا و منکرات را در نظر آدمی جلوه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۶-۳۷)، بعد این دو راه را به وسیله «زینت دادن»^۳ تقویت می‌کند، زینت دادن شیطان عمل آدمی را به این است که به وسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القاء می‌کند که عمل بسیار خوبی است، و در نتیجه انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلباً آن را دوست می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۲۷-۱۲۹؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۴). با این بیان روشن می‌شود وسواس - اجباری طهارت و نجاست از مصادیق آمدن شیطان از سمت راست است؛ به این معنا که طهارت و نجاست که از جمله آداب اسلامی است وقتی همراه با افکاری مثل وظیفه‌شناسی در واقع القای وسوسه از سمت راست شده است و وقتی همراه با افکاری مثل وظیفه‌شناسی افراطی - بیش از آنچه در شرع مقدس آمده است - در مورد طهارت گرفتن می‌شود و شخص از اینکه فکر می‌کند فرد وظیفه‌شناسی است و دارد وظیفه‌اش را بهتر انجام می‌دهد احساس لذت بردن به او دست می‌دهد که این یعنی گرفتار حيله زینت دادن شیطان شده است.

اصولاً ذات وسواس با پریشانی و اضطراب همراه است، همچنان که قرآن کریم درباره اضطراب آور بودن وسوسه شیطان می‌فرماید: «ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ»؛^۴ یعنی وسواس شیطان آزار و اذیت و اضطراب و پریشانی را دارد.

نکته مهم دیگر اینکه وسواس تمام شدنی نیست و این دلیل ادامه چرخه وسواس در

۱. كَانِ مِنَ الْحَيِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ (كهف، ۵۰).

۲ اعراف، ۱۷: «ناگهان بندگان تو را از چهار طرف محاصره می‌کنم تا از راحت به در برم».

۳. وَإِذْ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ (انفال، ۴۸).

۴. «فقط شیطان است که پیروان خود را می‌ترساند» (آل عمران، ۱۷۵).

شخص گرفتار به وسواس - اجباری طهارت و نجاست است. امام صادق علیه السلام فرمود: «... با شکستن نماز، شیطان پلید را به خودتان عادت ندهید که با این کار او را به طمع می‌اندازید؛ زیرا شیطان خبیث است و بدان چه عادتش دهند، عادت می‌کند...»^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۵۸). اگرچه این روایت در مورد موضوع نماز مطرح شده است، ولی چون حضرت کلامشان را با دلیل (فان الشیطان خبیث یعتاد لما عود) همراه کردند و دلیل هم طبق قاعده قابلیت عمومیت‌دهی دارد، لذا موارد دیگر از جمله وسواس - اجباری طهارت و نجاست را شامل می‌شود. به علاوه این روایت به صراحت یکی از عوامل استمرار وسوسه شیطان را مطرح می‌کند که عادت شیطان است به آن چیزی که عادتش دهند.

۷- تحریک‌پذیری انسان در موقعیت هیجان‌زا

در قرآن کریم جریان حضرت موسی علیه السلام آمده است که وقتی از کوه طور برمی‌گشت خداوند متعال به او خبر داد که قومش گوساله‌پرست شده‌اند و اینجا صحبتی از غضب و اندوه ایشان نشده است،^۲ ولی وقتی آمد و با موقعیت مواجه شد و دید که قومش گوساله‌پرست شدند بسیار عصبانی شد و الواح را انداخت و موی سر برادرش را گرفت.^۳ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند برادرم موسی را رحمت کند، شنونده مثل بیننده نیست، خداوند به او خبر داده بود که قومش دچار فتنه می‌شوند و می‌دانست که خبر خداوند راست است و الواح را به همین جهت در دست گرفته بود. همین که به سوی قوم بازگشت و آنها را بر آن حال دید، خشمگین شد و لوحه را افکند!» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۳). بنابراین اطلاع پیدا کردن به یک مطلبی غیر از مشاهده و احساس آن است، و هر کدام حکم جداگانه‌ای دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۲۵). بنابراین ظهور و بروز و مواجهه با آنچه در خارج واقع است، اثر هیجانی شدیدتری دارد. در بحث ما یعنی وسواس - اجباری طهارت و نجاست

۱. لما سئل عن كثرة شك الرجل في عدد الركعات حتى لا يدري كم صلى ولا ما بقي عليه: يعيد، قلنا له: فانه يكثر عليه ذلك كلما عاد شك؟ قال: بئس في شكه. ثم قال: لانعودا الخبيث من انفسكم بنقض الصلاه فطمعوه، فان الشيطان خبيث يعتاد لما عود، فليمض احدكم في الوهم، ولا يكثرن نقض الصلاه، فانه اذا فعل ذلك مرات لم يعد اليه الشك. قال زراره: ثم قال: انما يريده الخبيث ان يطاع، فاذا عصي لم يعد الي احدكم.

۲. قَالَ قَائِلًا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ؛ «خداوند متعال فرمود: ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را همراه ساخت» (طه، ۸۵).

۳. وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بُسْمًا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقِ الْأَلْوَحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ؛ «و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: پس از من، بد جانشینانی برابرم بودید، آیا در مورد فرمان پروردگارتان عجله نمودید؟ سپس الواح را افکند و سر برادر خور را گرفت و با عصبانیت به سوی خود کشید» (اعراف، ۱۵۰).

نیز این مسئله جاری است. بنابراین موقعیت وسواسی، اضطراب و پریشانی شخص را که هیجان متناسب با وسواس است را شدیدتر می‌کند. یافته‌های این پژوهش که مستفاد از مبانی نظری مذکور است، گویای این حقیقت است که اسباب مختلفی سبب ایجاد این اختلال می‌شوند که این اسباب به صورت چرخه این اختلال را ایجاد و باعث استمرار آن می‌شوند که در ذیل به ذکر مراحل ایجاد و استمرار این اختلال پرداخته شده است.

مرحله اول: قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست

وقتی شخص در موقعیت وسواسی قرار می‌گیرد، مثلاً در وقت طهارت گرفتن در دست شویی و شستن به اندازه شرعی، حداقل زمینه دو انتخاب را دارد:

مرحله دوم: انتخاب

این دو انتخاب عبارت‌اند از: ۱. دوباره بشوید؛ ۲. دوباره نشوید و به همان شسته‌اش اکتفا کنید، و شخص حکم طهارت و نجاست را صحیح و تمام و کمال ممکن است نداند و لذا در انتخاب دقیق دچار ابهام شود.

مرحله سوم: وسوسه و اضطراب

در این هنگام عامل بیرونی فعال می‌شود؛ یعنی قلبش به وسیله وسواس شیطان متأثر می‌شود و خواطر شیطانی شروع می‌شود و چون ذاتاً وسوسه با پریشانی و ترس و نگرانی همراه است، حالت نگرانی و اضطراب به انسان دست می‌دهد، محتوای وسوسه شیطان هم خواطری افراطی در مورد انجام وظیفه شرعی است؛ چرا که همان‌گونه که در مبنای ششم بیان شد شیطان از سمت راست که دین است فرد را وسوسه می‌کند و از طرفی این وسواس‌ها متناسب با موقعیت وسواسی می‌باشند؛ یعنی وسواسی از این قبیل: آیا با این شستن من، بدنم پاک شد؟ نکند بدنم پاک نشده باشد در نتیجه نماز باطل بشود؟ نکند بدنم پاک نشده باشد و خدا مرا به خاطر اینکه دستورش را انجام ندادم به جهنم ببرد؟ و از این قبیل.

مرحله چهارم: تمایل به وسواس

تا اینجا پریشانی و نگرانی ایجاد شده و شخص برای نجات از پریشانی و نگرانی ناشی از

وسواس کمی متمایل به انجام اعمال وسواسی شده است، و برای اینکه شخص تمایلش به انجام عمل وسواسی بیشتر شود انجام این عمل وسواسی طوری زینت داده می‌شود که گویا تنها عاملی که سبب نجات از نگرانی و پریشانی و اضطراب است همین عمل وسواسی است و غیر از آن نیست، و این هنر زینت دادن شیطان است که کاری که فکرش و انجامش باعث وسواس و شدت وسواس است را طوری جلوه می‌دهد که شخص وسواسی گمان می‌کند عامل نجات او از پریشانی است، لذا به آن متمایل تر می‌شود. و با افکاری چون: باید خیلی احتیاط کنم و پررنگ کردن روایات مربوط به احتیاط در موردی که محکوم به طهارت است (رئوفی، ۱۳۸۷، ص ۲) و نیز با القائاتی در مورد شخصیت فرد که مثلاً تو آدم بسیار مقیدی هستی و نسبت به دیگران تقید بیشتری داری (اسلامی نسب، ۱۳۷۸، ص ۷۳-۷۷)، توسط شیطان رنگ و لعاب و زینت پیدا می‌کند. علت اینکه اینگونه افکار از ناحیه شیطان است، جنبه افراط آن است که در مبنای ششم ذیل آمدن شیطان از سمت راست توضیح داده شد. از طرف دیگر در جنبه درونی فرد، چون ممکن است شخص وسواسی افراط‌کاری در استفاده از قوه عاقله و سوگیری افراطی در شناختن احکام دین داشته باشد - که همان صفت رذیله جریزه است - و لذا از عقلش پیروی نمی‌کند و در واقع پیروی هوای نفس در جنبه افراط می‌کند. بنابراین با سوگیری افراطی و دقت‌های اضافی و بی‌مورد (معتمدی، ۱۳۸۸، ص ۱)، فکر می‌کند با دوباره شستن دیگر خیالش راحت می‌شود که بدنش پاک شده است، در نتیجه تمایل به دوباره شستن پیدا می‌کند. علاوه بر این دو عامل، عامل سوم خود موقعیت وسواسی است که باعث تشدید هیجان نسبت به وسواس و خواطر شیطانی می‌شود و نگرانی و اضطراب و پریشانی را چند برابر می‌کند و منجر به تمایل بیشتر در انتخاب این مورد می‌شود.

این در حالی است که انتخاب دوم (یعنی عدم دوباره نشستن) چون حق است لذا موضوع وسوسه شیطان قرار نمی‌گیرد و از زینت دادن شیطان هم خبری نیست و از جنبه درونی هم با اینکه این انتخاب مطابق حکمت است و در واقع پیروی عقل و دستور شرع است، ولی چون شخص وسواسی در فکرش سوگیری افراطی در دیدن احکام دین دارد، خیلی به آن تمایلی نشان نمی‌دهد؛ چرا که نسبت به آن احساس لذت یا عدم المی هم ندارد تا به وسیله اش نگرانی‌های ناشی از وسواس را برطرف کند، هرچند واقع این است که در صورتی که این گزینه را انتخاب کند وسواس شیطان کمتر می‌شود.

مرحله پنجم: انجام عمل وسواسی

با این اوصاف شخص وسواسی انتخاب اول یعنی دوباره شستن را اراده می‌کند و اراده هم تمام کار است؛ یعنی تا اراده کرد اعمال اجباری را که دوباره شستن است بروز می‌دهد و خود انجام رفتار وسواسی شوق به عمل و رفتار وسواسی را زیادتر می‌کند.

مرحله ششم: بازگشت به ابتدای چرخه

ایجاد شوق از انجام عمل وسواسی و بالا رفتن هیجانات منفی زمینه را برای استمرار این چرخه فراهم می‌کند. و بدین ترتیب چرخه وسواس - اجباری طهارت و نجاست مطرح شده بر اساس منابع اسلامی ادامه می‌یابد.

در شکل ذیل این مراحل نمایش داده شده است:



بحث و نتیجه‌گیری

حاصل اینکه پژوهشگر پس از بررسی منابع اسلامی، به بیان مبانی نظری شکل‌گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی پرداخته و هشت مبنا را استخراج کرده است، و با کمک این مبانی، چرخه شکل‌گیری و استمرار اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست را بر اساس منابع اسلامی استخراج کرده است. این چرخه از شش

مرحله تشکیل شده است: ۱. قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست؛ ۲. انتخاب؛ ۳. وسوسه و اضطراب؛ ۴. تمایل به وسواس؛ ۵. انجام عمل وسواسی؛ ۶. بازگشت به ابتدای چرخه و قرار گرفتن در موقعیت وسواس - اجباری طهارت و نجاست برای بار بعدی. از بین اندیشمندان فیض کاشانی و امام خمینی علیه السلام وسواس را به شکل مرحله به مرحله و چرخه‌ای مطرح کردند که از این نظر هماهنگ با نتایج این پژوهش است، ولی ایشان نحوه وسوسه شیطان و اثرپذیری انسان را مد نظر داشتند، درحالی‌که منظور پژوهشگر بررسی شکل‌گیری اختلال وسواس - اجباری طهارت و نجاست بوده است که با زاویه دید دیگر و با این حیثیت به پژوهش پرداخته است. البته بعضی از مراحل که ایشان مطرح کردند با نظر پژوهشگر متفاوت است؛ چرا که مبانی نظری آن مراحل را که ایشان مطرح کردند، پژوهشگر نیافت، ولی پژوهشگر بر اساس مبانی نظری که دست یافت و بیان کرد، چرخه وسواس را مطرح کرده است. محققین دیگر به یک یا چند مورد از عوامل ایجاد وسواس اشاره کرده‌اند و ترتیب و مراحل ایجاد آن را مطرح نکرده‌اند. نراقی (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۰، ۶۵۰) قائل است علاوه بر سبب خارجی وسواس که شیطان است، سبب داخلی وسواس در انسان جریزه است. شاکر اردکانی ریشه وسواس را شک و تردید و دودلی می‌داند و قائلند شیطان قسم خورده به شک و تردید دامن می‌زند (شاکر اردکانی، ۱۳۸۴، ص ۲۴) که با نتایج این پژوهش هماهنگ است. رثوفی گوید: وسواس از اینجا شروع می‌شود که این شیء را که محکوم به طهارت است، انسان بخواهد احتیاط نموده و آب بکشد، همین احتیاط گام اول شیطان است که برای انحراف او برداشته شده است (رثوفی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). بنابراین ریشه بیرونی وسواس را شیطان معرفی می‌کنند که با نتایج این پژوهش هماهنگ است. معتمدی مهم‌ترین علت وسواس را ندانستن موازین شرعی و در نتیجه دقت‌های اضافی و بی‌مورد می‌داند (معتمدی، ۱۳۸۸، ص ۱) که با نتایج این پژوهش هماهنگ است. مظاهری قائل است گاهی شک برای انسان به یک حالت تبدیل می‌شود که به صاحب آن در اصطلاح فقه، «کثیرالشک» یا «شکاک» و در اصطلاح عرف «وسواسی» می‌گویند. وسوسه جهل مرکب است و یکی از راه‌های شیطان برای گمراه کردن مقدسین است (مظاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۰-۱۲) که با نتایج این پژوهش هماهنگ است.

زمانی برای پیدایش وسواس عوامل مختلفی را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: شیطان، اضطراب روحی خود شخص، ضعف مزاجی شخص، عدم اعتدال و عدم علم (زمانی، ۱۳۸۷،

ص ۲۹-۷۸)، اگرچه بعضی از آنها مانند شیطان و عدم اعتدال با نتایج این پژوهش هماهنگ است، ولی پژوهشگر با بعضی از آنها از جمله ضعف مزاجی موافق نیست؛ چرا که دلیلی برای آن نیآورده‌اند و پژوهشگر هم نیافته است. ارگانی بهبهانی سبب وسواس را همکاری قوه تخیل با شیطان می‌داند به علاوه وراثت، سنین [خاصی از عمر]، نوع از نظر زن و مرد [نوجوان - جوان - میان سال و غیره]، عوامل مؤثر در محیط زیست و نوع کار و موادی که مبتلایان با آن سر و کار دارند، مثل مواد شیمیایی و معدنی و گازی که روی جسم و عقل اثر می‌گذارد، امراض جسمی و عقلی که در گذشته و دوران طفولیت در اثر بعضی بیماری‌ها و تب‌ها عارض شده است، وابستگی کودکان به والدین و اعتماد به نفس پایین (ارگانی بهبهانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷) را فقط نام می‌برد و هیچ بحثی در اثبات سببیت آنها نمی‌کنند که بعضی از آنها با نتایج این پژوهش موافق است و مواردی هم که مخالف است صرفاً نام برده شده و هیچ بحثی و دلیلی برای آنها اقامه نشده، لذا مورد پذیرش پژوهشگر نیست. صالح مدرسه‌ای ضعف ایمان و کوچک شمردن وسواس را سبب وسواس می‌داند (صالح مدرسه‌ای، ۱۳۷۷، ص ۲۲)، البته دلیلی نمی‌آورد. لذا پژوهشگر چون دلیلی بر سببیت آنها نیافت با آنها مخالف است. فقیهی وجود اضطراب (حالات شدید روحی)، اختلالات جسمی (مانند سوء هاضمه)، توجه افراطی به غرائز (شهوات و امیال کاذب)، عدم رشد عقلی، ضعف اراده و عدم اعتماد به نفس را فقط نام می‌برند (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۵) که پژوهشگر چون دلیلی بر سببیت مواردی که موافق این پژوهش نیست نیافت، لذا با آنها مخالف است. حجازی منشأ وسواس را توارث، سن خاص، نوع، عوامل محیط، شغل، تصادفات جسمی، تشنج اعصاب، اعتماد شدید به غیر، هیجان دموی با اختلاط ذهن، اشارات شیطان، عدم سلامت عقل، اعتماد شدید داشتن به غیر را نام می‌برد و توضیح مختصری می‌دهد ولی صحت یا سقم آنها را بررسی نمی‌کند (حجازی، ۱۳۶۶، ص ۲۲) که البته بعضی از آنها که با نتایج این پژوهش موافق است و مواردی که موافق نیست، چون استدلالی بر سببیت آنها اقامه نشده است، لذا مورد پذیرش پژوهشگر نیست.

منابع

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۹۳)، قم: امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ارگانی بهبهانی، محمود (۱۳۷۹)، شناخت و درمان وسوسه و وسواس در اسلام، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

- استکتی، گیل و بیگت، تریزا (۱۳۸۹)، *اختلال وسواس (جدیدترین راهبردهای ارزیابی و درمانی)*، ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، تهران: ارجمند.
- اسلامی‌نسب، علی (۱۳۷۸)، *راهنمای عملی درمان وسواس برای وسواسی‌ها*، تهران: شفابخش.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۸۱)، *DSM-IV-TR*، (محمدرضا نیکخو، هامایاک آوادیس یانس)، تهران: سخن.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۹۴)، *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی DSM-5*، (فرزین رضاعی، علی فخرایی، آتوسا فرمند، علی نیلوف ری، ژانت هاشمی‌آذر، فرهاد شاملو)، تهران: ارجمند.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۹)، *فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان‌پزشکی و زمینه‌های وابسته (انگلیسی - فارسی)*، ج ۲، تهران: معاصر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حجازی شهرضائی، سیدمهدی (۱۳۶۶)، *الوسواس و علاجه*، قم: مؤلف.
- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (۱۳۵۹)، *قرب الاسناد*، تهران: کتابخانه نینوا.
- خمینی رحمته‌الله علیه، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- دادستان، پربرخ (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی*، تهران: سمت.
- رثوفی، مرتضی (۱۳۸۷)، *وسواس*، قم: قدس.
- زمانی، مصطفی (۱۳۸۷)، *وسواس (پیدایش، رشد، علاج)*، قم: برگ شقایق.
- سادوک، بنیامین جیمز، سادوک، ویرجینیا آلکوت (۱۳۹۰)، *خلاصه روان‌پزشکی*، ترجمه فرزین رضاعی، ۱۳۹۰، تهران: ارجمند.
- سلیگمن، مارتین و والکر، الین و روزنهان، دیوید (۱۳۸۹)، *آسیب‌شناسی روانی*، ترجمه رضارستمی و سیامک طهماسبی و جمیله زارعی، ۱۳۸۹، تهران: ارجمند.
- شاگردکانی، سیداسماعیل (۱۳۸۴)، *نکته‌هایی درباره وسواس و راه درمان آن*، قم: فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
- شمس، گیتی (۱۳۸۸)، *شناخت وسواس و علایم آن: راهنمای عملی شناسایی علایم وسواس*، تهران: قطره.
- صالح مدرسه‌ای، فاطمه (۱۳۷۷)، *یاد خدا آرامش بخش دل‌ها (نگاهی به وسوسه و وسواس)*، قم: حضور.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۷۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹)، *شیعه در اسلام*، قم: دارالتفسیر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، تهران: ناصر خسرو.
- علی‌پور، مهدی، حسنی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۰)، *پارادایم اجتهاد علم دینی «پاد»*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- فقیه‌ی، علی نقی (۱۳۸۹)، *با وسواس چه کنیم؟*، قم: سماء قلم.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷)، *محنة البیضاء*، ج ۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۴۰۴)، *تفسیر قمی*، ج ۱، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیلانی، عبدالرزاق (۱۳۷۷)، *شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه*، قم: پیام حق.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، ج ۷۸، لبنان: الوفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، *معارف قرآن: خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی (مشکات)*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (۴): انسان در قرآن*، تهران: صدرا.
- مظاهری، حسین (۱۳۹۲)، *راهکارهای عملی درمان وسواس به انضمام احکام و استفتائات*، قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام.
- معتمدی، مهدی (۱۳۸۸)، *نجات از وسواس و شیطان*، قم: نهاوندی.
- نارویی نصرتی، رحیم (۱۳۸۸)، *اثر بخشی روش درمانگری خودیابی اسلامی در درمان وسواس ناخودداری*، پایان نامه دکتری روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۷)، *جامع السعادات*، قم: اسماعیلیان.
- نراقی، ملاحمد (۱۳۷۷)، *معراج السعاده*، قم: دارالهجره.
- هالچین، ریچارد پی. و ویتبورن، سوزان کراس (۱۳۸۹)، *آسیب‌شناسی روانی (ویراست چهارم)*، دیدگاه‌های بالینی درباره اختلال‌های روانی بر اساس *DSM-IV-TR*، ج ۱، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ۱۳۸۹، تهران: روان.
- هندی، علاءالدین علی‌المتقی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ج ۱، بیروت: الرساله.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵)، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).